

جایگاه توبه و ندامت در فقه و نظام حقوقی ایران

سیده طاهره میرزائی

کارشناس ارشد فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه- ایران

Mirzayei@gmail.com

چکیده

توبه مفهومی در قرآن کریم و رشته‌های گوناگون علوم اسلامی که به بازگشت بنده به سوی خداوند دلالت دارد و مباحث راجع به توبه و ندامت در حقوق کیفری مدرن و نظام حقوقی ایران بسیار بسیط و چندجانبه است که پرداختن به آن در این مطالعه نمی‌گنجد؛ اما سیاست‌های جنایی تقنینی اخیر ایران در باب توبه و ندامت ما را به واکاوی بیشتر در مطالعه فقهی و حقوقی آن وا خواهد داشت، هر چند توبه و موارد مشابه آن از جمله بنیادهای ارفاقی حقوقی اسلامی و به طور خاص، قانون مجازات اسلامی تلقی می‌شود و از این حیث بررسی دیدگاه‌های همسو با حقوق متهمین در رویکردهای حق اسلامی ضروری است؛ اما ممکن است در این خصوص فروضی مطرح گردند که توجه به آنها ضروری می‌نماید. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که توبه هم وجهه اعتقادی و هم وجهه عبادی دارد و از همین رو در آیه‌هایی از قرآن کریم، با کاربرد توبه در معنایی عام، توبه زمینه ساز رستگاری دانسته شده است. برآیند یادکردهای گوناگون توبه، نشان از آن دارد که توبه قرآن اشاره به وجود نوعی از رابطه میان انسان و خداوند است که در آن خداوند توفیقی را به انسان عطا می‌کند و او را در مسیر رستگاری تأیید می‌کند. در تحقق عدالت کیفری، قواعد آیین‌داری کیفری یا به عبارتی مقررات حقوق کیفری شکلی بیش از حقوق کیفری ماهوی تأثیر دارد. یعنی این که آیین رسیدگی اگر عادلانه نباشد و متضمن حمایت از حقوق فرد و جامعه نگردد، عادلانه‌ترین مقررات ماهوی نیز تأثیری نخواهد داشت. در این رابطه در تمام نظام‌های حقوقی، تلاش شده است با وضع قوانین و مقرراتی که با معیارهای عدالت و انصاف همخوانی دارند و تدارک دیدن نهادهای کارآمد قضایی، حقوق متهم تضمین شود. در این مطالعه سعی شده که مبانی نهاد توبه در فقه و حقوق اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با توجه به این اصول و مبانی منتج از شرع و فقه به بررسی قانون مجازات اسلامی پرداخته و نقاط ضعف و قوت آن را بررسی کرده و پیشنهادهای در خصوص اصلاح قانون مجازات اسلامی در باب توبه جهت توسعه عدالت کیفری ارائه خواهد گردید. واژه‌های کلیدی: توبه، ندامت، فقه، حقوق اسلامی.

مقدمه

منظور شارع دین، اصلاح انسان‌ها است نه سخت‌گیری و شدت عمل. انسانی که مرتکب جرم شده است، چه بخواهد و یا نخواهد احساس سرشکستگی و کوچکی می‌کند، اگر متولیان کیفری او را ملامت و تحقیر کنند، این احساس بیشتر می‌شود و اگر ملامت‌ها ادامه یابد ممکن است به آن‌جا برسد که احساس کند شخصیت خود را از دست داده است و در این صورت است که به شدت وجود او برای خانواده و جامعه خطرناک خواهد شد که حتی ممکن است دست به جرم و هر جنایت مضاعفی بزند، چرا که احساس می‌کند از سوی جامعه طرد شده است. اعتقاد عمومی بر آن است که بدترین مجرمین، آنهایی هستند که پس از ارتکاب جرم، ابراز ندامت نمی‌نمایند. این فقدان اغلب از بی‌میلی آنها به ابراز ندامت از طریق طلب عفو یا سایر الفاظ مناسب برای ابراز پشیمانی همچون تأسف، عذرخواهی و... استنباط می‌گردد، به قول فلاسفه فقدان چنین ندامتی نشانگر «خوی حیوانی» یا «ذات سرکش و متمرّد» است.

در دنیای حقوق کیفری چنین قضاوت‌های فلسفی می‌تواند مبنای نکات و مسائل متعدّدی در فرآیند کیفری باشد. اگر فقدان ندامت، عاملی مشدّد تلقی گردد، طبیعتاً ما را به خشونت بیشتری متمایل ساخته و در نقطه مقابل ابراز ندامت به عنوان عاملی مخفّفه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تخفیف و تبدیل مجازات دارد. هر چند در قوانین کیفری به جای توجه به عدم ندامت، کانون تمرکز بر روی ندامت است و تمایل به تشدید مجازات در موارد عدم ابراز ندامت در قوانین کیفری کشورها، به ندرت به چشم می‌خورد؛ اما آن را می‌توان در تحقیقات علمی - جرم‌شناختی و استدلال دادستان‌ها در صدور کیفر خواست ملاحظه نمود. مباحث راجع به توبه و ندامت در حقوق کیفری مدرن و نظام حقوقی ایران بسیار بسیط و چندجانبه است که پرداختن به آن در این مطالعه نمی‌گنجد؛ اما سیاست‌های جنایی تقنینی اخیر ایران در باب توبه و ندامت ما را به واکاوی بیشتر در مطالعه تطبیقی - فقهی آن وا خواهد داشت، هر چند توبه و موارد مشابه آن از جمله بنیادهای ارفاقی حقوقی اسلامی و به طور خاص، قانون مجازات اسلامی تلقی می‌شود و از این حیث بررسی دیدگاه‌های همسو با حقوق متهمین در رویکردهای حق اسلامی ضروری است؛ اما ممکن است در این خصوص فروضی مطرح گردند که توجه به آنها ضروری می‌نماید. آیا به واقع بیم آن نمی‌رود که مجرمین صرفاً به جهت فرار از مجازات، توبه را ظاهراً القا نمایند؟ در این صورت ندامت ریاکارانه چه تأثیری در کاهش تکرار جرم و اصلاح مجرم خواهد داشت؟ ملاک‌های احراز توبه واقعی چیست؟ و مسائلی از این دست که نیازمند تحقیقی وسیعی و مطالعه‌ی در خور حقوق کیفری ایران است. در تحقق عدالت کیفری، قواعد آیین داری کیفری یا به عبارتی مقررات حقوق کیفری شکلی بیش از حقوق کیفری ماهوی تأثیر دارد. یعنی این‌که آیین رسیدگی اگر عادلانه نباشد و متضمن حمایت از حقوق فرد و جامعه نگردد، عادلانه‌ترین مقررات ماهوی نیز تأثیری نخواهد داشت.

در این رابطه در تمام نظام‌های حقوقی، تلاش شده است با وضع قوانین و مقرراتی که با معیارهای عدالت و انصاف همخوانی دارند و تدارک دیدن نهادهای کارآمد قضایی، حقوق متهم تضمین شود. یکی از این معیارهای عادلانه که کم و بیش در همه نظام‌های حقوقی دنیا وجود دارد تفسیر شک به نفع متهم است. بسیار پیش می‌آید که در حین بررسی برای اثبات یک اتهام مدارک و ادله کافی نباشد در این صورت راه‌های مختلفی را قانون‌گذار برای اثبات اتهام، می‌تواند انتخاب کند. اما قواعد عقلایی که شرع اسلام نیز آنها را به امضاء رسانده اجازه نمی‌دهد تا زمانی که ادله روشن مجرمیت متهم را اثبات نکرده، حکمی را با شک و شبهه اجرا کنند. این قاعده که بیشتر برای حدود کاربرد دارد با قاعده «درأ»^۱ شهرت دارد.

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲/۲/۱ در مبحث ششم از فصل یازدهم سقوط مجازات قاعده درأ به عنوان یک مبحث از قانون آمده است. ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی در مقام قاعده درأ آمده‌اند.

در این تحقیق تلاش می‌شود ابعاد مختلف توبه مجرم مورد بررسی قرار گیرد، به طوری که با رویکرد فقهی - حقوقی جایگاه آن در قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ شناسایی گردد.

^۱ - منظور از قاعده درأ: نام این قاعده از روایت یا روایاتی گرفته شده که ماده «درء = منع» در آن به کار رفته است و معنای کلی‌اش این است: از افرادی که متهم به خطا و عیبانی هستند که موجب حدّ (قصاص یا تعزیر) شود با وجود شبهاتی که مورد قبول عقلا باشد آن حدّ یا قصاص یا تعزیر برداشته می‌شود.

بیان مسأله:

در قانون مجازات اسلامی، توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اگر با شرایط کامل انجام شود یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات شناخته شده است، که در جرائم حق‌الله قبل از ثبوت جرم به وسیله اقرار یا شهادت شهود، مسقط مجازات بوده، ولی در جرائمی که جنبه حق‌الناس دارد، موجب سقوط مجازات نیست؛ چون مرتکب علاوه بر این که اوامر و نواهی الهی را نادیده گرفته، موجب ضرر و زیان مالی و جسمی و آبرویی برای دیگران شده و باید جبران کند. البته توبه مجازات اخروی را ساقط می‌کند ولی باید دانست که وضع مجازات دنیوی، تابع مجازات اخروی نمی‌باشد.

در قانون مجازات اسلامی از ماده ۱۱۴ تا ۱۱۹ به نهاد توبه اشاره گردیده است. در ماده ۱۱۴، توبه مرتکب را در جرائم مستوجب حد، پیش از اثبات جرم پذیرا شده‌اند. دو جرم کذب (از باب حق‌الناس بودن) و محاربه از این باب استناد شده است و توبه در آنها پذیرفته نشده است؛ البته در تبصره یک از ماده مربوطه آمده:

۱-۱-۱- «چنانچه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او، توبه کند این امر را از مسقطات حد می‌توان برشمرد».

هر چند پذیرش توبه در جرائم مستوجب حد می‌تواند، یکی از نقاط قوت قانون مذکور باشد و لیکن طراحان در تبصره ۲ ماده فوق‌الذکر به نظر دچار اشتباهی فاحش گردیده‌اند و آن پذیرش توبه در عمل نامشروع به عنف است. یعنی اگر شخصی بر فرض، به ۱۰ نفر تجاوز به عنف کند و توبه نماید، توبه او قابلیت پذیرش دارد و در نهایت به حبس کوتاه‌مدت محکوم می‌گردد.

در جرائم تعزیری توبه تنها در تعزیرات درجه ۶، ۷ و ۸ یعنی حبس تا دو سال قابل پذیرش بوده و مسقط مجازات است؛ یعنی توبه را در کل از مسقطات مجازات نمی‌دانند. به عبارت دیگر چنانچه مجازات دو سال حبس تعزیری بیشتر شود توبه آن را ساقط نمی‌کند، اما در زنا و لواط به عنف مستوجب حد اعدام، حد را ساقط کرده و سبب تبدیل اعدام به حداکثر دو سال حبس تعزیری می‌گردد، که به نظر منصفانه نمی‌باشد.

توبه مفهومی در قرآن کریم و رشته‌های گوناگون علوم اسلامی که به بازگشت بنده به سوی خداوند دلالت دارد و به خصوص درباره بازگشت از گناهان به کار می‌رود. این واژه از ریشه «ت و ب» گرفته شده که در زبان‌های گوناگون به معنای «بازگشتن» به کار رفته است. در منابع لغت نیز برخی همین معنا را معنای اصلی این ریشه دانسته‌اند. در قرآن کریم، از حیث کاربرد، ثلاثی مجرد «تاب یتوب» با حروف جرّ «علی» اشاره به توبه پذیرفتن و فاعل آن خداوند است. با حرف جرّ «الی» اشاره توبه کردن و مجرور الی خداوند است. در کاربردهای دیگر نیز این فعل به معنای توبه کردن به کار رفته است.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که توبه هم وجهه اعتقادی و هم وجهه عبادی دارد و از همین رو در آیه‌هایی از قرآن کریم، با کاربرد توبه در معنایی عام، توبه زمینه ساز رستگاری دانسته شده است. برآیند یادکردهای گوناگون توبه، نشان از آن دارد که توبه قرآن اشاره به وجود نوعی از رابطه میان انسان و خداوند است که در آن خداوند توفیقی را به انسان عطا می‌کند و او را در مسیر رستگاری تأیید می‌کند.

در مطالعه پیش‌رو سعی بر آن می‌گردد که مبانی نهاد توبه در فقه اسلامی مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفته و سپس با توجه به این اصول و مبانی منتج از شرع و فقه به بررسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته و نقاط ضعف و قوت آن را بررسی کرده و پیشنهادهایی در خصوص اصلاح قانون مجازات اسلامی در باب توبه جهت توسعه عدالت کیفری ارائه خواهد گردید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

توبه به معنای بازگشت بنده به سوی خدا، یکی از اصطلاحات تکراری در قرآن و روایات است. در ۶۹ آیه قرآن به موضوع توبه پرداخته شده است و با بیان محبت الهی به توبه‌کنندگان، مردم، را به توبه نصوح دعوت می‌کند.

در احادیث با تقسیم گناهان به حق‌الله و حق‌الناس راه‌های توبه از اقسام گناه بیان شده است. توبه درجاتی دارد که پایین‌ترین مرتبه آن توبه از گناهان است، درجه بالاتر آن، توبه از غفلت، توبه از توجه به غیر خدا، همان توبه از مشاهده غیر حق تعالی است و هم‌چنین توبه، ندامت و پشیمانی از گناه است که لازمه آن تصمیم بر ترک گناه در آینده است، اگر کاری بوده که قابل

جبران است درصدد جبران برآید. گفتن استغفار و عمل به آن بیانگر همین معناست و توبه از چهار چیز تشکیل شده: ۱- پشیمانی قلبی ۲- استغفار به زبان ۳- رها کردن فساد گذشته ۴- تصمیم بر ترک آن گناه در آینده و تکرار نکردن آن گناه.^۲ در حقوق جزا به منظور دفاع از نظم عمومی، منافع عمومی حفظ ارزش‌ها و حمایت از افراد و حقوق آنان، واکنش‌هایی را در نظر می‌گیرند و وظیفه اعمال مجازات را در مقابل کسانی که به حقوق عمومی تعرض می‌کنند، بر عهده حکومت‌ها گذارده‌اند. پس از همین‌جا ضرورت مجازات مرتکبان جرم، روشن می‌شود.^۳ به عبارت دیگر ضرورت انجام مصالح و مفاسد موجود در جامعه می‌باشد که به واسطه وجود افراد که دارای کرامت می‌باشند و جهت حفظ کرامت این افراد مجازات مجرم توجیه پیدا می‌کند.

ث- حکم عقل به لزوم است کمال و ترقی در مراتب حقیقتیه: بدون شک انسان به واسطه ارتکاب معاصی یعنی ترک واجبات و انجام کارهای حرام، او را به رتبه انسانی نمی‌رساند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

۱-۱-۲- «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^۴ آیا گمان می‌بری بیشتر آنان می‌شوند یا می‌فهمند؟! آنان فقط هم‌چون چهار پایان‌اند، بلکه گمراه‌ترند؛

و توبه و بازگشت به خداوند انسان را به سعادت می‌رساند. علاج و دواء امراض نفس بهتر و سودمندتر و مفیدتر از توبه نیست. زیرا توبه قلب را از رذایل تطهیر می‌کند و سلامت‌ش را حفظ می‌کند و به واسطه توبه، انسان از حیوانیت خارج شده و چه بسا برای او مرتبه‌ای والاتر از ولایت تکوینی، حاصل می‌شود، به گونه‌ای که بعضی از علما به این مرتبه دست یافته‌اند.^۵ اکثر فقهاء، بر مسئله توبه ادعای اجماع کرده و آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند که به وجوب توبه، ادعای اجماع شده و این‌طور عنوان شده است که در اصل وجوب توبه، مخالفتی یافت نشده است.^۶ بنابراین در اصل توبه مخالفتی در میان فقهاء دیده نمی‌شود، لکن اختلاف در وجوب، تنها بر سر این است که آیا وجوب ارشادی^۷ یا مولوی^۸ است.

توبه از جمله مسائلی است که در فرهنگ قرآن و سنت از جنبه مثبت و ارزشی به آن پرداخته شده و یک امتیاز در مکتب اسلام به شمار می‌رود و در واقع یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین است و باعث سقوط مجازات اخروی می‌شود. اینکه انسان در مسیر زندگی دچار خطا و لغزش می‌گردد نباید باعث شود از رحمت الهی مأیوس و ناامید شود. زیرا درهای رحمت خداوند همیشه باز است و در قرآن کریم توبه و مشتقات آن ۹۲ بار تکرار شده است. در این بین حقوق‌دانان نیز در حقوق جزا آن را به کار برده‌اند. همچنین در قانون مجازات اسلامی توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اگر با شرایط کامل انجام شود یکی از معاذیر معافیت از مجازات شناخته شده است و همچنین ضرورت تحقیق در مورد توبه همین بس که اگر به توبه متهم و مجرم توجه خاص شود شاهد آن خواهیم بود که در بسیاری از مجرمان از این امتیاز بهره‌مند شدند و هم جامعه شاهد کاهش تعداد زندانیان و اجرای مجازات در مورد خطاکاران و اصلاح آنان خواهد بود.

۲- نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۳۷.

- و نیز ر.ک: ولایی، اکبر، تأسیس حقوق توبه در فقه جزایی اسلام و نظام حقوق کیفری ایران، ص ۵۵.

۳- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۵۱، ص ۱۱۰.

۴- فرقان (۲۵)/۴۴.

۵- بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، ج ۷، ص ۳۳۶.

۶- همان، ص ۳۳۳.

۷- امر ارشادی امر صوری و ظاهری است که از حقیقت طلب بهره‌ای ندارد زیرا اوامر ارشادی چیزی جز تشویق مکلف به امتثال دو امر مولوی نیست.

(ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۱۸).

۸- امر مولوی عبارتست از طلب حقیقی چیزی به جهت مصلحتی که در آن خیر وجود دارد به گونه‌ای که امتثال آن امر پاداش به مخالفت کیفر مترتب می‌شود. مثل امر به اقامه نماز و روزه گرفتن. (همان، ص ۱۲۱).

توبه از منظر فقه:

از دیدگاه فقه امامیه، توبه قبل از اثبات جرم که دارای حدّ شرعی، مسقط حدّ می‌باشد، چه طریقه اثبات، بینه، یا اقرار خود مجرم و یا حصول علم از قرائن برای قاضی باشد، مستند دیدگاه فقهاء، قرآن، روایت و اجماع می‌باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱-۳- «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا»^۹ بعضی از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند) و مرتکب آن کار (زشت) می‌شوند آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید) و اگر توبه کنند و خود را اصلاح نمایند (و به جبران گذشته بپردازند)، از آنها در گذرید زیرا خداوند، توبه‌پذیر و مهربان است. آیه شریفه اشاره به مسئله توبه و عفو و بخشش از گناهکاران کرده، این دستور در حقیقت راه بازگشت را به روی این‌گونه خطاکاران گشوده است که در صورت توبه و اصلاح، جامعه اسلامی آنها را با آغوش باز می‌پذیرد و به صورت یک عنصر طردشده اجتماع نخواهند بود. ولی البته (همان‌طور که در کتب فقهی آمده) توبه در صورتی صحیح است که قبل از ثبوت جرم در دادگاه اسلامی و اقامه شهود و صدور حکم دادگاه اسلام، انجام یافته باشد و آلا توبه‌ای که بعد از صدور حکم باشد، هیچ‌گونه تأثیری نخواهد داشت.

از این حکم چنین استفاده می‌شود که هرگز نباید افرادی را که توبه کرده‌اند، در برابر گناهان سابق، مورد ملامت قرارداد. جایی که حکم مجازات و حدّ شرعی، با توبه ساقط شود، به طریق اولی باید مردم از گذشته آنها چشم‌پوشند، هم‌چنین کسانی که این حد درباره آنها جاری می‌شود و بعد از آن توبه می‌کنند، باید مشمول گذشت مسلمانان بوده باشند.^{۱۰}

امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در این زمینه می‌فرماید:

۱-۴- «اگر قبل از قیام بینه توبه نماید رجم باشد یا جلد، حد ساقط می‌شود و اگر بعد از آن توبه نماید، ساقط نمی‌شود و امام (علیه‌السلام) حقّ عفو او را بعد از قیام بینه ندارد؛ ولی اگر بعد از اقرار توبه نماید، امام می‌تواند او را عفو نماید؛ چنان‌که گذشت و اگر قبل از اقرار توبه نماید، حد از او ساقط است».^{۱۱}

علامه حلّی، صاحب جواهر و فاضل هندی در این زمینه بیان داشته‌اند:

۱-۵- «اگر مجرم، قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می‌گردد و همین‌گونه است، اگر ادعا کند قبل از شهادت، توبه کرده است».^{۱۲}

شهید ثانی نیز در این زمینه می‌فرماید:

۱-۶- «و اگر قبل از اقامه بینه توبه کند حد ساقط می‌شود حال حدّ رجم یا جلد باشد».^{۱۳}

آیت‌الله خوئی در این زمینه می‌فرماید:

۱-۷- «اگر قبل از قیام بینه توبه کند، سقوط حد از اوست».^{۱۴}

و نیز در روایت جمیل از امام صادق (علیه‌السلام) چنین آمده است:

^۹- نساء (۴)/۱۶.

^{۱۰}- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۱۰.

^{۱۱}- امام خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۶۲.

^{۱۲}- علامه حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۵۲۶. «وان تاب قبل قیامها سقط».

- و نیز رک: صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۳۰۷.

- و نیز رک: فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ج ۱۰، ص ۴۳۵.

^{۱۳}- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۱۵۴. «ولو تاب قبل قیام البینه سقط الحدّ عنه قتلا کان الحد او رجما او جلدا علی ما فصل».

^{۱۴}- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکلمة المنهاج، ج ۱، ص ۲۸۵. «اذا تاب الا نط قبل قیام البینه فالمشهور انه یسقط عنه الحد».

۱-۱-۸- «در مورد مردی که سرقت کرده یا شراب نوشیده یا زنا کرده است و کسی هم بر او آگاهی نیافته و دستگیر هم نشده چنین خصی توبه کرده و اصلاح شده است. پس امام در پاسخ گفتند: هرگاه اصلاح شود و از وی امر زیبا دیده شود بر او حدّ اقامه نشود».^{۱۵}

خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱-۱-۹- «فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^{۱۶} اما آن کس که پس از ستم‌کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد (و از این مجازات معاف می‌شود، زیرا) خداوند آمرزنده و مهربان است.»
در حقیقت توبه حقیقی که در آیه به آن اشاره شده آن است که قبل از ثبوت حکم در محکمه انجام گیرد و گرنه هر سارقى هنگامی که خود را در معرض مجازات دید اظهار توبه خواهد نمود و موردی برای اجرای حق باقی نخواهد ماند و به تعبیر دیگر «توبه اختیاری» آن است که قبل از ثبوت جرم در دادگاه انجام گیرد و گرنه توبه اضطراری همانند توبه‌ای که به هنگام مشاهده عذاب الهی و یا آثار مرگ صورت می‌گیرد ارزشی ندارد.^{۱۷}

مشهور فقهاء، توبه بعد از اقرار به جرم را موجب تخییر امام در عفو یا اجرای مجازات مجرم می‌دانند و بر همین اساس توبه سخت‌ترین مجازات را ساقط می‌کند و به طریق اولی مجازات‌های ضعیف را هم ساقط می‌کند.^{۱۸}
حتّی برخی از فقهای معاصر ادّعی اجماع بر این مسئله کرده و قائل‌اند که:

۱-۱-۱۰- «خلافی در این نظریه دیده نمی‌شود».^{۱۹}

لکن چنین اجماعی محقق نیست، چرا که صاحب سرائر در صورتی که مجازات از نوع «جلد»، باشد و مجرم بعد از اقرار توبه کند عدم سقوط کیفر را حتمی می‌داند.^{۲۰}

توبه از منظر قانون:

در قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است:

۱-۱-۱۱- «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. هم‌چنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتّی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

۱-۱-۱۲- تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلّط بر او موجب سقوط حدّ است.

۱-۱-۱۳- تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و با اغفال بزه‌دیده انجام می‌گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلّاق تغزیری درجه شش یا هر دوی آنها محکوم می‌شود».

در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۱۵ در جرائم تعزیری درجه شش و هفت و هشت:

۱۵- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشّیعه الی تحصیل مسائل الشّریعه، ج ۲۸، ص ۳۷.

۱۶- مائده (۵)/۳۹.

۱۷- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۷۵.

۱۸- شهید ثانی، زین الدّین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۴، ص ۲۵۰. «و تخیر الامام بعد توبه المقربین حده و العفو عنه مطلق هوالمشهور بین الاصحاب».

۱۹- محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۱۴۸.

۲۰- ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۴۷۸. «فان کان أقر علی نفسه و تاب بعد الاقرار قبلان یرفع الی الامام أو الحاکم، درأت التوبه ایضاً عند الحد فان کان قد أقر الحاکم أو الامام ثم تاب بعد الاقرار عندهما فانه یقام الحدّ علیه و لا یحوز اسقاطه لان هذا الحد لما یوجب القتل بل الجلد و قد ثبت فمن اسقطه یحتاج الی دلیل و حمله علی الاقرار بما یوجب القتل فی الرجم قیاس لا تقول به، لانه عندنا باطل».

۱-۱-۱۴- «چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

۱-۱-۱۵- تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود جاری می‌گردد.

۱-۱-۱۶- تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳) و (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود». در همین حال در ماده ۱۱۶ این قانون آمده است:

۱-۱-۱۷- «دیه، قصاص، حدّ قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد».

مطالب اصلی مندرج در این بحث را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

(أ) در جرائم مستوجب حدّ غیر از قذف و محاربه توبه قبل از اثبات جرم باعث سقوط می‌شود.

(ب) در همین جرائم در صورتی که اتهام با اقرار اثبات شده باشد، توبه پس از اثبات جرم باعث می‌شود که دادگاه بتواند از طریق رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری برای فرد توبه‌کننده تقاضای عفو کند.

(ج) توبه محارب پیش از دستگیری یا پیش از آن که مأموران بر او تسلط یابند، موجب سقوط حدّ است. مفهوم پیش از تسلط بر او چندان روشن نیست.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قوانین موضوعه ایران نیز یکی از شرایط پذیرش توبه را ابراز توبه، در زمان خاصّ تعیین شده، بیان داشته است. البته قانون‌گذار علاوه بر تعیین زمان خاص برای پذیرش توبه، طریقه اعلام و اثبات جرم،^{۲۱} اقرار یا طرق غیر از اقرار مثل گواهی شاهدان، دستگیری توسط ضابطان و... را در پذیرش توبه و آثار مترتب بر آن سقوط، تخفیف و یا عفو مجازات مؤثر می‌داند. این موضوع به طور مفصّل در شرح موادّ ۱۱۴ تا ۱۱۸ مورد بحث قرار می‌گیرد.

نتیجه گیری

توبه در دو حالت می‌تواند تأثیر داشته باشد: یکی این که مجرم واقعاً اصلاح شده باشد و با پذیرش توبه از مجازات معاف شود و مرتکب جرم جدیدی نشود و حالت دیگر این که وجود نهاد توبه با کاستن از حالت بازدارندگی عامّ و خاصّ مجازات‌ها، نه تنها موجب تجرّی خود متهم بشود، بلکه ضرورت مجازات‌ها را زیر سؤال ببرد و تأثیری معکوس در جلوگیری از تکرار جرم داشته باشد.

توبه تنها استغفار یا ندامت از گذشته و حتّی تصمیم نسبت به ترک در آینده نیست، بلکه علاوه بر همه این‌ها، شخص گنهکار باید در مقام جبران برآید، اگر واقعاً حیثیت زن یا مرد پاکدامن را لکه‌دار ساخته برای قبولی توبه خود باید، سخنان خویش را در برابر تمام کسانی که این تهمت را از او شنیده‌اند، تکذیب کند و به اصطلاح اعاده حیثیت نمایند.

جمله «و اصلحوا» بعد از ذکر جمله «تابوا» اشاره به همین حقیقت است که باید این‌گونه اشخاص از گناه خود توبه کنند و در مقام اصلاح فسادى که مرتکب شده‌اند برآیند.

این صحیح نیست که یک نفر در ملاء عام (یا از طریق مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی) دیگری را به دروغ متهم کند و بعد در خانه خلوت استغفار کند و از پیشگاه خداوند تقاضای عفو نماید، هرگز خداوند چنین تجربه‌ای را قبول نخواهد کرد. ۲۲ بنابراین براساس آنچه بیان شد می‌توان نتایج زیر را بیان کرد.

۱- تعمیم تأثیر توبه به جرائم تعزیری از نوآوری‌های قانون جدید (مصوب ۹۲) به شمار می‌آید.

۲۱- ماده ۱۱۴ ق.م.ا: «... همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد در صورت توبه مرتکب، حتّی پس از اثبات دادگاه می‌تواند، عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».

۲۲- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۷۴.

- ۲- قانون‌گذار در قانون مجازات جدید (مصوب ۹۲) موارد مشمول توبه را افزایش داده و به مواردی نظیر حدود نیز تسری داده است در قانون مجازات اسلامی براساس ماده ۱۱۴ توبه در جرائم مستوجب حد چنانچه قبل از اثبات جرم باشد موجب سقوط مجازات خواهد شد البته در مورد (قذف) به دلیل حق‌الناس بودن توبه نمی‌تواند تأثیری در سقوط مجازات حدی داشته باشد.
- ۳- معیار تشخیص توبه در قانون اظهار ندامت و پشیمانی از ارتکاب جرم می‌باشد.
- ۴- در قانون مجازات اسلامی ۹۲ ماده ۱۱۷ آن نیز در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود.
- ۵- چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت شود که مرتکب، تظاهر به توبه کرده، سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده، ملغی و مجازات اجرا می‌گردد.

ب- پیشنهادها

با توجه به آن که نهاد توبه از جمله مباحث و نهادهای ارفاقی می‌باشد که در دین مبین اسلام بیان شده است، بزرگان دین بر اجرایی شدن این نهاد توجه داشته و آن را به صلاح گنهکار و بازپروری و اصلاح عمل او می‌دانند. به همین علت قانون‌گذار در فصل یازدهم مبحث پنجم کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این نهاد فقهی نپرداخته و آن را بیان نموده است. ولی با دقت به ساز و کارهای آن پرداخته‌اند و شاید همین باعث شود که در عمل، قضات محترم جانب احتیاط را در نظر گرفته و به این نهاد ارفاقی در جهت قبول توبه مجرمین عمل نمایند و یا با بی‌پروایی و ناسنجیده عمل کردن در قبول آن باعث کاهش ارزش والایی اخلاقی و شرعی آن بشوند.

۱- اصلاح سیاست‌های حاکم بر نهادهای ارفاقی از جمله توبه به نحوی که از نوعی نظام قانون‌مند برخوردار باشد ضروری است. در این رابطه نگارنده معتقد است باز اندیشی در مفاهیم با این‌گونه تأسیسات حقوقی در قالب یک قانون اصلاحی با آئین‌نامه اجرایی مفید و اثرگذار خواهد بود.

۲- با اجرایی شدن این نهاد فقهی (نهاد توبه) در جامعه اسلامی شاهد برپایی عدالت و اصلاح عمل خطاکار در جامعه باشیم.

۳- در قوانین، مخصوصاً در خصوص توبه مجرم (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ ق.م.ا) و در نحوه اجرای آن کاستی و ابهاماتی وجود دارد که اگر بیشتر مورد توجه مسئولین امر قرار بگیرد، بهتر می‌تواند نقش اصلاحی و تربیتی خود را در جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین ایفا کند

منابع و مأخذ

- * قرآن مجید (ترجمه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی).
- * نهج البلاغه (ترجمه استاد محمد دشتی)
۱. ابن ادریس، محمد بن احمد. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. (سه جلدی). چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۰ق.
 ۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. (یک جلدی). چاپ اول. دمشق: دارالقلم. ۱۴۱۲ق.
 ۳. شهید اول، محمد بن مکی. اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة. (یک جلدی). چاپ اول. بیروت: دارالتراث- الدار الاسلامیة. ۱۴۱۰ق.
 ۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. (ده جلدی). با تحقیق سید محمد کلانتر. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری. ۱۴۱۰ق.
 ۵. صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (چهل و سه جلدی). چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۳۶۲.
 ۶. علامه حلی، حسن بن یوسف. قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. (سه جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۳ق.
 ۷. محقق حلی، جعفر بن حسن. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. (چهار جلدی). چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۴۰۸ق.

۸. نوری، حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. (سی جلدی). چاپ دوم. قم: نشر قدسیان. ۱۳۸۹.
۹. امام خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله. (چهار جلدی). ترجمه علی اسلامی. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه). ۱۳۸۷.
۱۰. جمعی از مؤلفان. مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام). (پنجاه و شش جلدی). چاپ دوم. قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام). ۱۴۱۶ق.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر. اخلاق در قرآن. (چهار جلدی). چاپ اول. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام). ۱۴۲۵ق.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه. (بیست و هفت جلدی). چاپ چهاردهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۷۱ش.
۱۳. موسوی بجنوردی، سید محمد. فقه تطبیقی. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: سمت. ۱۳۹۴.